

گفت‌وگو با علی آزادنیا، هنرمند پیشکسوت مشهد که تئاتر اجتماعی را دوست دارد

همیشه علاقه خودم را به صحنه می‌برم

شاهیان وارد اتاق ۵۸ در مجتمع امام رضا^(ع) می‌شویم. علی آزادنیا، یکی از پیشکسوتان تئاتر مشهد، به استقبالمان آمده است. تعارفمان می‌کند و سپس خودش با چهره‌ای آرام و آثار کسالت قدیمی‌اش، پشت میزی بزرگ می‌نشیند. پشت سرش، پوستری از نمایش هایش که کارگردانی کرده است، به چشم می‌آید: «آخرین بازی». خانه او بیشتر همین ساختمان و اتاق هایش است، نه محله زندگی‌اش در محله سرافرازان. جایی که با هم دوره‌ای هایش می‌نشاند و از تئاتر می‌گوید و می‌شنود. آزادنیا متولد ۱۳۳۴ است. خودش را «کارمند بازنشسته تئاتر» معرفی می‌کند. از نسل هنرمندانی که اوایل انقلاب با پست رسمی «بازیگر تئاتر» به استخدام اداره فرهنگ و هنر درآمدند. با وجود بازنشستگی، هنوز از تئاتر دل نکنده است. کلاس‌های بازیگری و کارگردانی‌اش در بخش خصوصی را خودش اداره می‌کند؛ و همچنان نمایش نامه می‌نویسد. او این روزها هم مشغول تمرین نمایشی به نام «پشت پنجره‌های فراموشی» به نویسندگی خودش است که در آن با احمد مینایی و حسین نوری همکاری می‌کند. نمایشی درباره خانه سالمندان که در آنجا با تئاتر درمانی، امید و میل به زندگی به افراد تزریق می‌شود.

○ ● خطرات کاری با «ارجمند»ها

علی آزادنیا از معدود چهره‌هایی است که بخشی از گذشته تئاتر مشهد را می‌توان او مرور کرد؛ از کارگری در دهه ۵۰ تا تأسیس نخستین گروه تئاتر کارگری در استان. در «باران در شب» برای نخستین بار به طور رسمی روی صحنه رفت؛ نمایشی زیر نظر مرحوم از چهره‌های نامدار تئاتر مشهد. او آن روزها را با لبخند و کمی دلنگی به یاد می‌آورد و می‌گوید: در شب بود. یاد می‌آید وقتی خواستیم اجرا کنیم، ایشان به ما می‌گفتند شما هنوز در حد کارگر شاگردی کنید؛ با اینکه خیلی فعال بودیم و همین نمایش برای پخش از شبکه یک تلویزیون، ضبط روحیه شاگردی و سماجت، از نخستین کسانی بود که ایده «تئاتر کارگری» را در مشهد به اجرا گذاشت. با لبخ توضیح می‌دهد: آن موقع چیزی به اسم تئاتر کارگری وجود نداشت. من و چند نفر از بچه‌ها مثل ما هاجری، مرحوم محمد زخی و مرحوم بادم‌منش، گروهی تشکیل دادیم. اعضای گروه همه کارگران و راننده تاکسی و... ماتئاتر می‌ساختیم و در کارخانه‌ها و اداره‌ها کار اجرامی کردیم. در واقع ما او که تئاتر کارگری را در کارخانه‌ها فعال کردیم. به کارگران علاقه مند آموزش می‌دادیم، برای جشنواره‌ها آماده می‌شدیم.

همین فعالیت‌ها باعث شد که مرحوم داریوش ارجمند که آن زمان مسئول اد حکم مأموریت جدیدی به آزادنیا بدهد: «به من گفتند برو اداره کار، مسئول در اداره کار، دفتر تئاتر تأسیس و شروع کردیم به آموزش و سازمان دهی کارخانه‌ها نیروی فرستادند و ما آموزش می‌دادیم. حتی یک جشنو اسم جشنواره «امید» که گروه‌های کارگری از کل استان در آن شرکت این پیشکسوت تئاتر با اشاره به اینکه استعداد هایی بیرون آمدند که تلویزیون ایران شناخته شدند قدیمی‌ها یاد می‌کنند؛ گروه‌ها بالا آمدند؛ یکی حسینی است که آن بود، ولی حالا کارگرد مطرحی است.»

نمایش «خانات»، اولین بزرگ‌پرده به عنوان بازیگر برتر

